

# اعاده محاکمه در کشورهای مختلف

مزبور ناشی از قانون مخصوص و بر روی مصالح و مقنضیات بوده عدم تعقیب گنهکار یا عدم اجرای محکومیت بر اثر آن قانون حادث میشود..... ولی اعاده محاکمه معنی بر اصول قضائی و نتیجه بازرسی و تشخیص قوه قضائیه میباشد بهمین جهت است که عفو عمومی مانع از تعقیب مرتکبین از نظر حقوقی و الزام آنها بترمیم خسارات زبان دیدگان نخواهد بود ولی در اعاده محاکمه با فسخ حکم اولیه و تبرئه شخص بکلی اصل موضوع جرم منتفی و زبان دیده در کار نیست علت بزرگ و منطقی اساسی در قبول اعاده محاکمه همانا حفظ حقوق و حیثیات و منافع حیاتی اشخاص و وفق دادن آست با اصول مسلمه دیگری از قبیل احترام قانون و احکام قضائی و مخصوصاً احکامی که مراحل عادی خود را طی کرده و قطعی و لازم الاجرا شده اند.

چه اگر اصول کلی فوق را در نظر بگیریم وقتی که امر در دادگاه رسیدگی و منتهی بحکم قطعی گردید دیگر هیچ عنوان نمیتوان حکم مزبور را مورد تعرض یا اعتراض قرارداد والا ارکان امنیت قضائی متزلزل میشود.

از طرف دیگر با توجه باینکه انسان چنانچه خطاست بسیار محتمل است عوامل و کیفیاتی که ظاهراً بر علیه کسی موجود و از هر جهت مؤثر و مثبت در وقوع گناهی شده اند در معنا مربوط بشخص دیگری بوده و یا در اثر حوادث خارجی که بعداً کشف شود بکلی ادله للتابعه را خنثی نماید - در اینصورت و مخصوصاً در امر جزائی از نظر آثار غیر قابل جبرانی که بر روی شخص و حیثیات و شرافت و حتی مال و نزدیکان او میگذارد از همان اوان اولیه زندگی بشر موضوع اعاده محاکمه در عمل پیش آمده چنانچه در بعضی اوقات مشاهده میشود برای يك امر جزائی که در يك محل و بر علیه يك با چند نفر معینی واقع شده است در نفر در دوزمان مختلف دستگیر

اعاده محاکمه از نظر اهمیت بسیاری که در امور جزائی دارد در غالب کشورهای مورد توجه مخصوص قرار گرفته و هر يك بطور تفصیل در آن بحث نموده و موارد آن را با مقتضیات تطبیق کرده اند.

از نظر تعریف همانطور که میدانیم اعاده محاکمه عبارت از بررسی دوباره دادگاه است در عوامل و کیفیاتی که موجب محکومیت شخص گردیده و در حکم مزبور ادله مثبته دعوی جزائی مورد تجدید نظر و بظهور دلائل محکم و جدیدی که بعداً کشف شده اشتباه قضات در حکم اولیه را مسلم و محرزمیدارد.

اعاده محاکمه بجهت زیر از مراحل عادی و غیر عادی دادرسی متمایز است:

۱ - فرق اعاده محاکمه با درخواست فرجامی در اینست که در دومی فقط اشتباهات قضاة از نظر نقض قانون و اصول محاکمه مورد دقت و بازرسی قرار میگیرد در صورتی که در موضوع فوق اشتباهات روی ماهیت امر و ادله مثبته گناه است.

ب - همینطور اعاده محاکمه با رسیدگی مرحله پژوهشی دارای این فرق است که رسیدگی اخیر عبارت از تجدید و بررسی دوباره ایست در همان ادله سابق که مؤثر در محکومیت شخص واقع شده و حال آنکه در مورد بحث ما بررسی روی ادله تجدید و تازه ایست که در مرحله پژوهشی مورد نظر نبوده و با دسترسی بآن نداشته اند.

ج - فرق اعاده محاکمه با عفو در اینست که در دومی فقط مجازات مورد بخشش واقع شده ولی آثار جزائی محکومیت کاملاً پای برجا است در صورتیکه اعاده محاکمه با فرض قبول و موجه بودن بکلی آثار محکومیت سابقه را از بین میبرد د - از عفو عمومی نیز از این جهت متمایز است که عفو

قوی بود موفق برقرار و در همین هنگام شخص دیگری که برای انتقام عشق و احساسات وارد خانه و صاحب آنرا با گلوله مقتول و فرار نمود تعقیب نشد ولی دزد مزبور که تمام آثار انگشت و کفش او با سایر اوضاع و احوال در خانه و حتی روی جسد مقتول بود و برای آنکه دو حین خروج از خانه (که با ورود قاتل اصلی مقارن و خود را در دهلیز خانه مخفی و بمحض شنیدن صدای تیر که سه دقیقه بعد واقع شد فرار کرد) در بین راه دستگیر گردید هر قدر بر بیگناهی خود در قتل صاحب خانه اصرار کرد بجائی نرسید و محکوم بمرگ شد سالها بعد از قضیه و پس از آنکه بین آنتوتی و دلباخته اش بی مهری رخ داد و حس کینه و انتقام حسادت و خشم و غضب موجب افشای حقیقت گردید کار از کار گذشته بود \*

بهر حال مثالهای فوق و تجربه تلخ در امور جزائی باعث شده که باعاده محاکمه بسیار دقت شود و مخصوصاً در گناهان بزرگ و جنایات احکام مجازات را با دقت بیشتری صادر و در مجازات اعدام بالاخص شتاب در اجرای حکم نکنند تا هرگونه احتمال و حتی سوء ظن و جزئی ترین تردید هم بر طرف و کلیه ابواب ممکنه در تزلزل حکم بسته شود گاه هم اتفاق افتاده که در باره بعضی از مجرمین که جداً مدعی بیگناهی خود بوده و بعد از محکومیت با اعدام نیز بر عقیده خود باقی و فقط ادله خارجی و اوضاع و احوال مؤثر در محکومیت مزبور شده عملاً حکم مجازات را اجرا نمیکنند و بوسیله استدعای عفو از مقام سلطنت یا شخص اول کشور [بوسیله تبدیل آن بحبس با اعمال شاقه] و یا سکوت در اجرای حکم بامید پیدا شدن ادله دیگر بر قطعیت یا بی-گناهی محکوم از غیر قابل جبران شدن امر جزائی خود داری میکنند.

ناامام - دکتر ع. اخوی

و بر علیه هر دو دلائل و اوضاع و احوال مثبتی بعدی است که قضاة مختلف بلاد رنگ و باستاند آنها بارتکاب يك گناه از طرف دو نفر مختلف (مستقلاً) یقین کرده اند و حال آنکه گناه مزبور کرده بکنفر بیش نبوده است - و باوقایع بعدی کشف شده و بقدری ظاهر و حتمی و غیر قابل تردید است که بکلی ادله و آثار قبلیه را منتفی و از بین برده است .

فروض فوق فقط در مرحله خیال نبوده بلکه تجربه چندین قرن بخوبی و بکرات عدم امکان وقوع امر از طرف گنهگار محکوم و بیگناهی او را ثابت کرده \* مثلاً در بسیاری از مواقع در وقایع غیر عادی که در بعضی اجتماعات واقع میشود و باالزامه جمعیت زیاد و ازدحام و اشتغال هر فردی برای امنیت خود دقت در سایر حوادث را بکلی از ناظرین سلب میکنند در این ضمن ممکن است گناهی واقع شود و کسانی هم بر علیه شخص یا اشخاص ادای گواهی کنند و با آنکه اوضاع و احوال و حوادث بطوری (۱) بر علیه کسی جمع گردد که ایمان کامل بر ارتکاب گناه از طرف او را موجب شود و با اینحال وی بکلی بیگناه باشد \*

موضوع ساآو و آنتوتی در امریکا در چندین سال پیش که ادله مثبتی بر علیه آنها بعدی بود که محکومیت با اعدام هر دو را ایجاب و پس از اجرای حکم قاتلین اصلی پیدا شدند در تمام دنیا موجب تأثر و انزجار بسیار فراهم کرد همچنین Antonetti که با قصد سرقت شبانه بخانه رفت و با صاحب خانه که در اثر صدای او بیدار شد کلاویز و چون

(۱) فرض قدیمی خودمان که ممکن است حقیقت هم

داشته است بسیار قابل ذکر و توسل است : که قصابی پس از کشتن گوسفند و فراغت از آن بخراجه برای قضاء حاجت رفت در محل مزبور سر کسی را بریده بودند و دیگران هم که برای همان منظور قصاب وارد محل شدند ویرا دستگیر کردند و چون در غیبت شخص مزبور از محل ذبح گوسفند دزدی هم گوسفند مزبور را ربوده بود قصاب مشارالیه قاتل شناخته شد.